

۳۰ نکته از الزمات ضروری توسعه سواحل مکران

نویسنده: محمد مونسان (عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر)

پس از قرن‌ها بی‌توجهی به تنها ساحل اقیانوسی ایران که «سواحل مکران» نامیده می‌شود به طول ۷۸۰ کیلومتر، از بندرعباس تا چابهار ادامه دارد، هم اکنون با تاکیدات ویژه مقام معظم رهبری نوبت به توسعه این سواحل رسیده است. بدون مقدمات غیرضروری، ۳۰ نکته ضروری برای توسعه و رونق سواحل مکران در سه دسته بندی کلی ذکر می‌گردد:

الف- نیازهای اساسی توسعه سواحل مکران

۱- نباید کل تمرکز توسعه و سرمایه‌گذاری در سواحل مکران صرفاً بر چابهار باشد چون قطعاً باعث آبادانی یک نقطه و رهایی طول سواحل مکران می‌شود. اشتباه کیش را نباید اینجا تکرار کرد. در کل منطقه جنوب کشور، همه سرمایه‌گذاری‌های توریستی در جزیره کیش متمرکز شد و نتیجه آن همین شده است که هیچ‌یک از شهرهای ساحلی جنوب کشور، امکانات تفریحی و توریستی مناسبی ندارند حتی در شهرهایی مثل بندرعباس و بوشهر که به سختی می‌توان سه هتل آبرومند یا یک مارینا (مجموعه تفریحی آبی-دریایی) در آنها پیدا کرد! این اشتباه را نباید در سواحل مکران تکرار کرد و همه نگاه‌ها را صرفاً به سمت چابهار معطوف کرد. در حد فاصل وسط بین بندرعباس و چابهار باید حتماً یک شهر بزرگ دیگری با امکانات کامل ایجاد شود. جایی مانند جاسک. نباید فاصله ۸۰۰ کیلومتری بین بندرعباس و چابهار بدون حتی یک شهر آباد و بزرگ رها شود. دلایل زیر را می‌توان برای ضرورت این امر برشمرد: (۱) دسترسی به سواحل مکران برای کسانی که قصد سفر به این مناطق را داشته باشند نزدیکتر و راحت‌تر خواهد شد. چابهار در منتهی الیه شرقی سواحل مکران بوده و دورتر از مرکز ایران است (نسبت به جاسک). (۲) چابهار بدلیل مجاورت با مرز پاکستان، همچنان از برخی تهدیدات امنیتی رنج می‌برد. ایجاد یک شهر در وسط سواحل مکران با فاصله حدود ۴۰۰ کیلومتری از مرز پاکستان، امنیت بیشتری را به ارمغان می‌آورد. (۳) چابهار بدلیل احداث طرح‌های توسعه‌ای عظیم مانند بندر شهید بهشتی، به اندازه کافی توسعه خواهد یافت و نگرانی از این جهت وجود ندارد.



شهرهای مهم سواحل مکران

۲- بخش غربی سواحل مکران، جزء استان هرمزگان است. خود استان هرمزگان حدود ۸۵۰ کیلومتر خط ساحلی دارد که با احتساب جزایر، به تنهایی حدود ۵۰ درصد از سواحل جنوب کشور را در اختیار دارد. همچنین ۱۴ جزیره مهم ایران در خلیج فارس در اختیار این استان است. آیا این معقول و منطقی است؟ با توجه به بودجه اندک این استان در مقیاس کشوری، عملاً رسیدگی مناسبی به سواحل این استان نمی‌شود. با این آرایش فعلی نمی‌توان هرگز امید به تحول در سواحل مکران داشت. برای تمرکز جمعیت در سواحل مکران باید تغییرات تقسیم‌بندی استان‌های ساحلی جنوب حتماً در اولویت قرار گیرند. لذا باید ضرورتاً طول سواحل مکران به دو یا سه استان مستقل تقسیم شود و قسمت شرقی استان هرمزگان (از بندرعباس به سمت شرق)، تبدیل به یک استان مستقل شود. این استان می‌تواند "استان مکران" نام گیرد. البته مقرر گردیده بود که استان فارس نیز با واگذاری بخش هایی از استان هرمزگان، به دریا متصل گردد که آن هم علی‌رغم مصوبه دولت هنوز عملی نشده است.



۳- توسعه راه جاده‌های عریض و راه آهن، هم برای حمل و نقل بار و هم مسافر از ضرورت‌های حیاتی توسعه سواحل مکران است. با نگاهی به نقشه جاده‌های کشور می‌بینیم که هیچ بزرگراهی در این مناطق وجود ندارد! همچنین با نگاهی به نقشه راه آهن کشور، می‌بینیم که هیچ خط آهن مستقیمی که چابهار یا یکی از شهرهای سواحل مکران را به مرکز ایران وصل کند وجود ندارد. فعلاً

همه نگاه‌ها به سمت تکمیل خط آهن چابهار به مشهد و آسیای میانه است که اهمیت بسیاری هم دارد ولی این مسیر برای تردد مسافری به مرکز ایران اصلاً مناسب نیست چراکه مسافران باید راه طولانی از مسیر چابهار، زاهدان، تهران را طی کنند که عملاً اتلاف وقت و هزینه هست. لذا علاوه بر مسیر راه آهن چابهار، ایرانشهر، کرمان، تهران باید شهر دیگری (مانند جاسک) به مرکز ایران متصل شود. عامل مهم بعدی اینست که هیچ مسیر راه آهن یا اتوبانی در امتداد سواحل مکران وجود ندارد. نه تنها هم اکنون وجود ندارد بلکه متأسفانه در طرح‌های توسعه ۱۰ ساله راه‌های کشور هم دیده نشده است. اینهمه دم از توسعه سواحل مکران زده می‌شود ولی از این مهم غفلت می‌شود. وقتی دسترسی به این سواحل بسیار دشوار، زمان‌بر، پر هزینه و پر ریسک باشد عملاً نمی‌توان انتظار توسعه داشت. وقتی مسیر ریلی به این سواحل وجود ندارد و مسیر پرخطر جاده ای از تهران تا چابهار به طول ۱۸۵۰ کیلومتر را در مدت ۴۰ ساعت! طی شود چگونه می‌توان انتظار داشت گردشگری در این سواحل رونق گیرد یا افراد متمایل باشند برای کار از شهرهای دیگر به این سواحل بیایند. شرط اول حضور نیروی کار در این مناطق، دسترسی راحت و سریع است. مسئله دوم اینست که حتی در صورت وجود بزرگراه و راه آهن از سواحل مکران به مرکز ایران، باز هم طی زمان بیش از ۳۰ ساعت بسیار نامناسب و طولانی است. لذا باید قطار سریع‌السیر با سرعت ۳۵۰ کیلومتر بین یکی از شهرهای مهم این سواحل (مانند جاسک) تا مرکز ایران در اولویت قرار گیرد تا طی این فاصله در زمانی کمتر از ۶ ساعت طی شود نه ۳۰ ساعت! متأسفانه هم اکنون اولویت احداث راه آهن سریع‌السیر در کشور بجای اینکه بر مبنای توسعه همگن کشور باشد، بر مبنای منفعت طلبی و سودجویی بیشتر، برنامه ریزی شده است. مثلاً بین تهران مشهد که حتی قطارهای دو طبقه مسافری با سرعت ۱۶۰ کیلومتر بر ساعت وجود دارد باز هم طرح قطار با سرعت ۳۵۰ کیلومتر ظرف ۸ سال در این مسیر وجود دارد در حالیکه به سمت سواحل مکران، هیچ مسیر راه آهن مسافری طرح ریزی نشده است. چرا؟ چون سود بیشتری در جابجایی مسافر در آن مسیر وجود دارد. این نشان می‌دهد «منفعت محوری» بجای «ضرورت محوری و عدالت محوری» در برنامه‌های توسعه ای کشور وجود دارد و نتیجه این تفکر، این می‌شود که امکانات در یک گوشه کشور به ۱۰۰ درصد نزدیک می‌شود و در گوشه دیگر به صفر درصد میل می‌کند! تا این نوع نگاه از قشر مدیریتی کشور پاک نشود، همه چیز در حد شعار باقی خواهد ماند و سواحل جنوبی کشور هیچگاه رنگ توسعه مناسب را نخواهند دید.



نقشه راه آهن کشور شامل مسیرهای موجود، در حال ساخت و برنامه ریزی شده برای آینده (دقت کنید به امتداد سواحل مکران که باز هم در آینده هیچ مسیر راه آهنی در امتداد سواحل در نظر گرفته نشده!)



نقشه بزرگراه‌های موجود در کشور (در منطقه جنوب شرق کشور، هیچ بزرگراهی وجود ندارد!)

۴- اصول پدافند غیرعامل باید در کلیه تاسیسات در حال اجرا در این مناطق بطور کامل رعایت گردد.

۵- مدیران فعلی (استانداران، فرمانداران و شهرداران ...) از قدرت مدیریتی کافی برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای مکران برخوردار نیستند لذا ضروریست که در گام اول، موفق‌ترین و خوش‌فکرترین مدیران کشور را که در استانهای بزرگ و پرجمعیت کشور مسئولیت داشته و بازدهی عالی داشته‌اند را به این مناطق اعزام داشت. کارهای بزرگ، مدیران بزرگ می‌خواهد با دیدگاه‌های جدید و مدرن و ریسک‌کننده نه مدیران ترسو و گند با دیدگاه‌های کوتاه و کم عمق و قدیمی! با فکرهای بسته مدیریتی نمی‌توان راه به جایی برد. برای ایجاد توسعه باید طرح‌های «جاه‌طلبانه» ای را بتوان اجرا کرد که با دیدگاه مدیران سنتی و قدیمی جور در نمی‌آید. «جاه‌طلبانه فکر کردن» در این موارد نه تنها بد نیست بلکه واجب است. نگاهی به وضعیت کشورهای جنوبی خلیج فارس و مقایسه آن با وضعیت شهرهای ساحلی ما این تفاوت دیدگاه‌های مدیریتی را علنا نشان می‌دهد. آنها ثروت نفت و گاز خود را صرف اجرای جاه‌طلبانه‌ترین و عظیم‌ترین پروژه‌های مهندسی کردند که کسی باور نمی‌کرد و تبدیل به مرکز گردشگری دنیا شدند ولی ثروت نفت و گاز کشور ما صرف گذراندن امور روزمره و یارانه بنزین و انرژی و غیره شد و در واقع دود شد و به هوا رفت. پس واجب است که از فرصت باقیمانده درست استفاده کرده و مدیرانی را پرورش دهیم و بر سر کار بگماریم که از ریسک نترسند و ریسک‌پذیر باشند تا بتوانند عظیم‌ترین پروژه‌ها را در مناطق جنوبی کشور اجرا کنند.

۶- تشکیل جلسات هیات دولت به تعداد حداقل ۴ مرتبه در سال در مناطق مکران (و نه صرفاً چابهار)، می‌تواند روحیه‌بخش مدیران محلی این مناطق برای کار و پیگیری بیشتر باشد و نگاه مسئولین و مدیران کشور را به سوی مکران بچرخاند. برای این مهم، باید خود رئیس‌جمهور و وزرا بیش از دیگران احساس ضرورت و مسئولیت کنند. تمرکز بیشتر صدا و سیما برای اطلاع‌رسانی مراسمات و جشن‌ها در این مناطق می‌تواند بسیار موثر و روحیه‌بخش باشد.

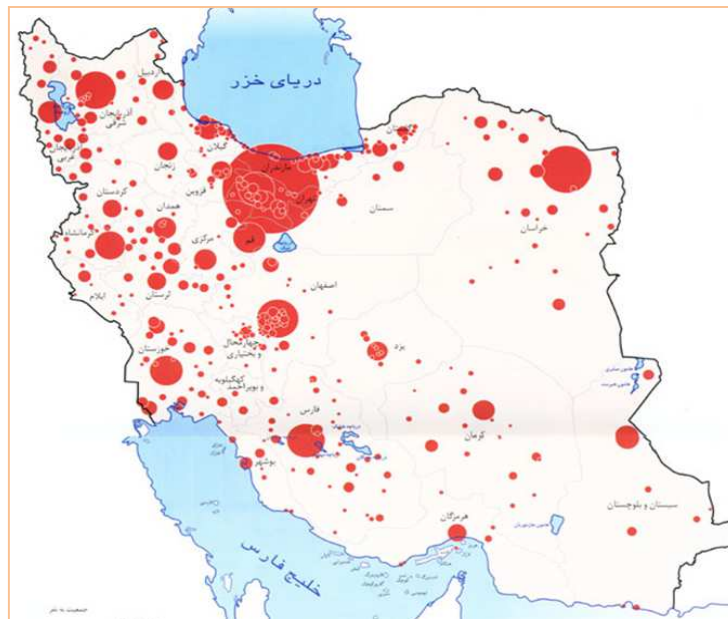
۷- تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری در سواحل مکران و اطلاع‌رسانی عمومی به مردم و بخش خصوصی: برای تشویق سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به حضور در پروژه‌های مکران باید طرح‌های اولویت‌دار تعیین و مصوب شوند و بر روی یک سایت اینترنتی با عنوان «فرصت‌های سرمایه‌گذاری مکران» اعلام شوند به گونه‌ای که سرمایه‌گذاران بتوانند براحتی فرصت‌های موجود را بررسی کرده و کار احداث را فوراً شروع کنند و معطل مجوزها و بروکراسی نشود. اصولاً دو نمونه از معضلات عمده جذب سرمایه‌های سرگردان بخش خصوصی در ایران اینست که: (۱) هیچ سایت اینترنتی وجود ندارد که فرصت‌های موجود را ارائه داده باشد (فرصت‌های سرمایه‌گذاری مکران میتواند به عنوان یک طرح پایلوت و یک الگو در کل کشور اجرا شود تا در بقیه حوزه‌ها هم به مرور ارائه شود). (۲) مجوزهای کلی مربوط به طرح‌های اولویت‌دار از قبل اخذ نمی‌شوند تا سرمایه‌گذاران با "خواب سرمایه" و معطلی اخذ مجوزها مواجه نشوند (برای تسهیل و تسریع این امر حتی بانک عامل هم باید سر خط آمده و از قبل توجیه شده باشد). موارد متعددی دیده شده که سرمایه‌گذاران بعد از مدت‌ها معطلی در یک مورد، در نهایت به این نتیجه رسیدند که سرمایه خود را وارد خرید ملک و زمین و مسکن کنند بجای کارهای مولد اقتصادی! سایت اینترنتی "فرصت‌های سرمایه‌گذاری" باید برای همه سطوح سرمایه‌گذاری (خرد، متوسط و کلان) پیشنهاد داشته باشد مثلاً از ۱۰۰ میلیون تومان گرفته تا چند ده میلیارد تومان! و بررسی‌های توجیه اقتصادی از قبل ارزیابی و نوشته شده باشد بطوریکه سرمایه‌گذاران با مطالعه آنها و با توجه به سرمایه خود، وارد یکی از این حوزه‌ها شوند. بطور مثال ما چندین سال متوالی شدیداً تلاش کردیم برای بکارگیری زیردریایی توریستی در مناطق اطراف کیش ولی آنقدر دست انداز ایجاد شد که هر سرمایه‌گذاری که جلو آمد بعد از چند ماه معطلی، کلاً متواری شد!!

یک سرمایه‌گذار بعد از ۳-۴ سال سرمایه خود را ۲ برابر می‌کند (طرح‌های بازگشت سرمایه و توجیه اقتصادی دریایی معمولاً ۳-۴ ساله یا حتی کمتر هستند) لذا نمیتوان از سرمایه‌گذار توقع داشت فقط ۲ سال دنبال مجوزها بدودا. یعنی هرکسی این صبر و حوصله و علاقه مندی را ندارد. واقعا در کشور ما در بسیاری از جاها نیاز به بودجه دولتی نیست بلکه اگر مدیران دولتی بجای دست اندازی و کارشکنی و معطل کردن سرمایه‌گذاران (که عمدتا ناشی از نوعی حسادت و تنگ نظری شخصی است تا پیچیدگی قوانین!)، بتوانند "ریل گذاری" مناسبی برای ورود بخش خصوصی انجام دهند، خیلی از پروژه‌ها بدون نیاز به بودجه دولتی اجرا خواهند شد. منتها مشکل دولت اینست که نه خودش بودجه دارد و نه مدیرانی دارد که بتوانند این ریل گذاری را انجام دهند که از بودجه بخش خصوصی استفاده شود. ایران کشور است که پول دارد ولی نمی‌تواند این پولها را به سمت تولید هدایت کند. به قول یکی از اقتصاد دانها، با همین طلاهایی که در اختیار بانوان ایرانی است می‌توان یک کشور را از صفر ساخت! همچنین نقدینگی در کشور از مرز شگفت‌انگیز و باور نکردنی ۱۲۵۰ هزار میلیارد تومان (۱۲۵۰ تریلیون تومان!) هم گذشته ولی باز هم پول برای پروژه-های کشور وجود ندارد! چرا؟ چون دغدغهای و راهکاری برای تسهیل ورود سرمایه‌های کوچک و متوسط مردمی وجود ندارد و فقط نگاه‌ها به سمت سرمایه‌های کلان و سرمایه‌داران بزرگ هست و این اشتباه است. از سرمایه‌های بزرگ باید فقط برای پروژه‌های بزرگ استفاده کرد. اگر دولت برای همین سرمایه‌های کوچک مردمی برنامه درستی داشته باشد، خواهیم دید که هزاران میلیارد تومان سرمایه وارد پروژه‌های کوچک و متوسط خواهد شد و صدها هزار فرصت شغلی در بنگاه‌های اقتصادی کوچک ایجاد خواهد شد. سواحل مکران دارای بهترین فرصتهای سرمایه‌گذاری هست که اطلاع رسانی فرصتهای موجود در یک سایت اینترنتی با توصیفی که گفته شد یک گام رو به جلوی مهم و یک الگو برای کل کشور خواهد بود. فرض کنید قرار است یک مجموعه تفریحی، تجاری و خدماتی بزرگ در سواحل مکران ساخته شود که دارای تعداد زیادی واحدهای تجاری و خدماتی کوچک هست. می‌توان اجرای این مجموعه را به یک پیمانکار بزرگ واگذار کرد ولی واحدهای موجود داخل مجموعه را به مردم پیش فروش کرد و سرمایه لازم را از خود مردم معمولی (و نه لزوما سرمایه‌دار و ثروتمند!) تامین کرد. شبیه طرح عظیم و جالب "پدیده شاندیز" ولی با این تفاوت که برای جلوگیری از کلاهبرداری‌های کلان و ایجاد اطمینان در بین مردم، خود دولت حراست از سرمایه‌ها را تا مرحله ساخت و تحویل دهی واحدها تضمین کند. پس از واگذاری واحدها به مردم، خودشان بقیه امور را عهده‌دار خواهند شد. یعنی نیازی به بودجه مستقیم دولتی نیست و فقط دولت باید نقش هدایتگری و اعتمادسازی داشته باشد.

ب- اشتغالزایی و تمرکز جمعیت در سواحل مکران

هم اکنون کمتر از نیم درصد جمعیت کشور در سواحل مکران مستقر هستند در حالیکه در یک کشور بیابانی، خشک و کم آب مثل ایران باید قسمت عمده جمعیت در سواحل مستقر باشند. نقشه پراکندگی جمعیت ایران، خود به تنهایی گویای واقعیاتی تلخ است. سواحل مکران که تنها سواحل اقیانوسی ایران و راه مستقیم ارتباط بنادر ایران با اقیانوس‌های جهان است، دارای کم جمعیت‌ترین مناطق و فقیرترین مردمان است. متاسفانه یک نگاه استعمارزده در وجود ما ایرانیان از صدها سال پیش رخنه کرده که همواره ما را از آب و دریا هراسان و دور نگه داشته بخصوص از سواحل اقیانوسی. این در حالیست که خود کشورهای استعمارگر و ابرقدرت، از مجاورت با دریا بیشترین و بهترین استفاده را کردند و عامل استعمارگری در کل دنیا شدند ولی همواره کشورهای ضعیف را از دریا ترسانند و از سواحل، دور نگه داشتند. طبق استاندارد رایج کشورهای پیشرفته، در هر ۱۰۰ کیلومتر ساحل، حداقل ۱ میلیون نفر می‌تواند مستقر شود یعنی در سواحل ۸۰۰ کیلومتری مکران، حداقل ظرفیت پذیرش ۸ میلیون نفر وجود

دارد و هم اکنون مقامات ایرانی از برنامه‌ریزی برای سکونت دادن ۵ میلیون نفر در این سواحل سخن می‌گویند. شاید این باعث بهت و حیرت باشد که هم اکنون در خط ساحلی مکران کمتر از ۳۰۰ هزار نفر مستقر هستند!!! (چاپهار ۲۱۰ هزار، جاسک ۴۵ هزار و سایر روستاها ۴۰ هزار نفر). از طرف دیگر با توجه به مشکلات خشکسالی در ایران، سیاستگذاری برای انتقال جمعیت به سوی سواحل، معقولانه‌ترین راه ممکن است. مسئله مهم دیگر که نگرانی‌هایی را بطور جدی در کشور ایجاد کرده مسئله دامن زدن به تفرقه میان شیعه و سنی و شعارهای جدایی طلبانه منطقه سیستان ایران است. مناطقی که کم جمعیت بوده و از طرفی از سطح معیشت پایینی برخوردار باشند، محل مناسبی برای تبلیغات گروه‌های تفرقه افکن و جدایی طلب است که اتحاد دیرینه بین برادران اهل تسنن را با شیعیان تخریب کنند و از طرف دیگر امنیت ساکنان این منطقه که اغلب از اهل تسنن هستند را به مخاطره انداخته و باج‌خواهی کنند. مواردی مانند گروهک ریگی نمونه‌ای از این موارد است. بطور کلی در مناطق مرزی که خالی از جمعیت باشد بطور خودکار محل تجمع اشرار و گروهک‌ها می‌شود. بنابراین از دیدگاه امنیتی هم چاره‌ای جز تمرکز بیشتر جمعیت در سواحل مکران نیست. از دید تسلط دشمن خارجی نیز این موضوع بسیار اهمیت دارد. وقتی مرزها و سواحل یک کشور خالی از سکنه باشد، اشغال و پیشروی به سمت مرکز کشور بسیار ساده‌تر خواهد بود در حالیکه ساکنین این مناطق، خود به عنوان اولین سد در برابر دشمن خارجی هستند. تجربه اشغال سریع ایران در جنگ جهانی اول و دوم هرگز از یادها نمی‌رود. برای اسکان دادن جمعیت در این نواحی باید مسئله اشغال را بخوبی و بطور اساسی حل کرد. موارد زیر در این زمینه می‌تواند مفید باشد:



توزیع جمعیت در کشور - سواحل مکران تقریباً خالی از سکنه!

۸- صنایع دریایی، محور اصلی ایجاد اشتغال در این مناطق است. برای سکونت دادن دائمی جمعیت در یک منطقه، باید اشتغال دائمی و بومی متناسب با آن منطقه ایجاد کرد. از جمله صنایع و خدمات بندری، کارخانجات کشتی‌سازی، کارخانجات شیلات، صنعت توریسم دریایی و غیره. بدون توجه به صنایع دریایی، توسعه این مناطق، موقتی و غیر قابل اتکا است. بطور مثال هم اکنون توسعه بندر شهید بهشتی به تنهایی برای توسعه شهر چاپهار کافی است و پیش بینی می‌شود با تکمیل فازهای مختلف آن بتواند

۵۰ هزار نفر اشتغالزایی مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کند یعنی با فرض ۴ نفره بودن خانواده‌های ایرانی، امکان اسکان ۲۰۰ هزار نفر در چابهار فراهم می‌شود.

۹- برای ترغیب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به مناطق دور افتاده مکران و ایجاد اشتغال باید تسهیلات مالی ویژه‌ای توسط بانکها و موسسات مالی برای این مناطق در نظر گرفته شود با سود پایین زیر ۱۰ درصد. همچنین با مصوبه هیات دولت باید بخشی (مثلا ۲۰ درصد) از موجودی صندوق توسعه ملی بطور خاص به سواحل مکران اختصاص یابد به گونه‌ای که به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در این مناطق، وام با سود ۴ درصد و معافیت‌های مالیاتی اعطا گردد.

۱۰- باید برخی سازمانها و ادارات و حتی برخی وزارتخانه‌ها که بیشترین ارتباط با سواحل را دارند بالاچار به سواحل مکران انتقال داده شوند مانند سازمان بنادر، سازمان کشتیرانی و نفتکش، سازمان شیلات و غیره. با بروز مشکلات جمعیتی و آلودگی و احتمال زلزله در پایتخت، بحث انتقال برخی سازمانها از تهران در سالهای اخیر داغ بوده است. سواحل مکران می‌تواند در این زمینه دارای اولویت باشد.

۱۱- باید در اشتغالزایی و جذب نیرو در این مناطق، مردم بومی در اولویت باشند تا به مرور فقر و محرومیت از این مناطق دور شود. نباید اشتباهاتی مانند عسلویه در اینجا تکرار شود که خود مردم محلی سهم اندکی از اشتغال این مناطق داشته باشند.

۱۲- حمایت از تاسیس کارخانجات کشتی سازی کوچک بخش خصوصی برای ساخت کشتی‌های صیادی و لن‌دینگ کرافتها (به عنوان جایگزین لنج‌های چوبی) و تاسیس حداقل یک کارخانه بزرگ کشتی‌سازی از ضروریات توسعه پایدار سواحل مکران است. واگذاری ساخت یک کارخانه بزرگ کشتی‌سازی به یک جوینت خارجی (مثلا کره جنوبی) به همراه تضمین ساخت کشتی برای ناوگان تجاری ایران یک سود دوطرفه بین ایران و کره خواهد بود که سرمایه‌گذاری و فناوری و دانش کره‌ای ها را جذب این مناطق خواهد کرد و از طرف دیگر بازار ساخت کشتی‌های ایران را بصورت هدفمند در اختیار کره خواهد گذاشت و از سفارشات پراکنده و بی هدف کشتی به کشورهای مختلف جلوگیری خواهد کرد. انتخاب یک شریک و متحد خارجی، یک روش پذیرفته شده در صنعت کشتی‌سازی برای تعامل با کشتی‌سازان حرفه‌ای دنیاست و از طرف دیگر موجب می‌گردد از فرصت پسا برجام برای تعامل بهتر با دنیا استفاده کرد. صنعت اوراق کشتی (بازیافت کشتی) از دیگر صنایعی است که با توجه به مجاورت به اقیانوس و عدم تجمع آلودگی می‌تواند از دیگر صنایع بومی این مناطق باشد. همچنین صنعت سوخت‌رسانی و پشتیبانی (آب شیرین و آذوقه) به کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز، از دیگر صنایع پرسود سواحل مکران می‌تواند باشد.

۱۳- سواحل مکران با توجه به دسترسی به آبهای اقیانوسی می‌تواند به مرکز شیلات ایران تبدیل شود به گونه‌ای که ابتدا با توسعه ناوگان صید صنعتی، تعداد شاغلین حرفه صیادی را افزایش داد و سپس با تاسیس کارخانجات فراوری، کار آماده‌سازی و ارسال محصولات شیلاتی در همان مناطق انجام گردد به گونه‌ای که اشتغال مضاعفی ایجاد کند. روش‌های نوین پرورش ماهی و میگو در قفس، در صورت تشویق و هدایت سرمایه‌گذاران به این مناطق، می‌تواند از جمله اشتغال آفرین‌ترین حرفه‌های بومی این مناطق باشد. احداث بندر تخصصی صیادی و شیلات شامل احداث سردخانه‌ها و کارخانجات فرآوری از ضرورت‌های این مورد است.

۱۴- استقرار پایگاه‌های نیروی دریایی ارتش و سپاه کمک شایانی به توسعه این مناطق کرده و خواهد کرد از جمله: ایجاد امنیت بیشتر ناشی از حضور بیشتر نظامیان در آن مناطق، استقرار خدمه و خانواده پرسنل، تمرکز بخشی از بودجه‌های نظامی برای ایجاد تاسیسات نظامی جدید در این مناطق و استفاده از ماشین آلات راه سازی نظامی و سایر تجهیزات مربوطه در امور عمرانی (بخصوص برای نیروی دریایی ارتش که حضور پررنگ‌تری در این مناطق دارد). تا به امروز، توجه ویژه فرمانده محترم سابق نیروی دریایی ارتش (دریادار سیاری) و تکرار مکرر نام "مکران" در رسانه‌های جمعی، کمک ویژه‌ای به شنیده شدن نام "مکران" در بین مردم و مسئولان کشور بوده است.

۱۵- سواحل مکران می‌تواند قطب انرژی‌های تجدید پذیر (خورشیدی، باد و امواج دریا) کشور باشد. با توجه به شدت بالای تابش خورشید در این مناطق، نصب پنل‌های خورشیدی برای تولید برق بسیار مقرون بصرفه خواهد بود. می‌توان مساحتی به اندازه ۱۵۰۰ هکتار را مشخص و تبدیل به یک مزرعه خورشیدی ۱۰۰۰ مگاواتی نمود که یکی از بزرگترین مزارع خورشیدی دنیا خواهد بود و اشتغالزایی مستقیم برای بیش از ۱۰۰۰ نفر و اشتغالزایی غیرمستقیم برای ۱۵۰۰ نفر ایجاد خواهد کرد. در صورت کمبود بودجه عمرانی کشور، سرمایه‌گذاری و احداث این نیروگاه را می‌توان بصورت یکجا به یک یا دو شرکت خارجی واگذار کرد. ژاپنی‌ها، چینی‌ها، کره‌ای‌ها و آلمانی‌ها دارنده معتبرترین فناوری سلول‌های خورشیدی در جهان هستند که اتفاقاً از سرمایه‌گذاری در زمینه انرژی‌های نو به شدت استقبال می‌کنند. همچنین با توجه به امواج شدید اقیانوسی در سواحل مکران، تولید برق از امواج و جزر و مد نیز می‌تواند با تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی رونق بگیرد. بدین ترتیب منطقه مکران می‌تواند تنها منطقه‌ای در ایران و حتی در آسیا باشد که بخش عمده‌ای از برق مورد نیاز خود را از انرژی‌های تجدید پذیر تولید می‌کند.

۱۶- برای تمرکز پنج میلیون نفر در این مناطق نیاز به آب شیرین می‌باشد. با توجه به دسترسی به آبهای غیرمحدود اقیانوسی براحتی می‌توان عظیم‌ترین پروژه‌های آب‌شیرین‌کن دنیا را در این منطقه ایجاد کرد به گونه‌ای که برق مورد نیاز آن نیز مستقیماً از برق خورشیدی بدست آید. این دستگاه‌ها، آب شیرین را برای دو هدف آب شرب و آب کشاورزی تامین می‌کنند. احداث «کارخانجات آب شیرین‌کن هسته‌ای» که از وعده‌های قدیمی رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی و دولتمردان به مردم سواحل چابهار است می‌تواند یک نمونه عالی از استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای باشد. عربستان بدون بهره‌مندی از فناوری هسته‌ای، بزرگترین کارخانجات آب شیرین‌کن دنیا را در سواحل دریای سرخ احداث می‌کند ولی ایران علی‌رغم بهره‌مندی از فناوری هسته‌ای نمی‌تواند از مزایای آن برای مصارف صلح‌آمیز استفاده کند. سواحل مکران با دسترسی مستقیم به آبهای اقیانوسی برای خنک‌کاری نیروگاه هسته‌ای می‌تواند اولین گام پرافتخار در کارخانجات آب شیرین‌کن هسته‌ای در ایران باشد. برای اسکان ۵ میلیون نفر در سواحل مکران باید بطور جدی به مسئله تامین آب شیرین فکر شود.

۱۷- قطب کشاورزی مدرن ایران: با توجه به اینکه در مناطق مکران، زمین مسطح و آب کافی موجود است می‌توان بخش زیادی از اراضی این مناطق را تبدیل به زمین‌های زراعی نمود که به تنهایی بیش از ۱ میلیون شغل ایجاد می‌کند. مشکل امروز کشاورزی ما در ایران اینست که با همان سبک و سیاق چند هزار سال پیش می‌خواهیم کشاورزی کنیم که این غلط است. باید از علوم نوین امروز مانند بیوتکنولوژی، نانوتکنولوژی و تکنولوژی هسته‌ای برای احیای کشاورزی در این مناطق استفاده کرد. بطور مثال با کمک فناوری هسته‌ای میتوان تغییراتی در گیاهان اعمال کرد که با آب شور دریا هم سازگاری داشته و رشد کنند و در برابر دمای بالای محیط هم دوام بیاورند و ارزش غذایی هم داشته باشند. یا امروزه به کمک بیوتکنولوژی و نانوتکنولوژی تغییراتی در خاک اعمال

می‌کنند که مطابق شرایط بیابانی و خشک بتواند ارزش غذایی و رطوبت خود را بیشتر حفظ کرده و برای رشد انواع متعددی از گیاهان مناسب باشد (خاک ژنتیک). در مورد آب نیز امروزه جایگزین‌های متعددی بجای آب در نمایشگاه‌ها ارائه می‌شوند که یا دارای ترکیبات کلا متفاوتی از آب هستند یا موادی هستند که حجم زیادی آب را در خود فرو برده و ذخیره می‌کنند (آب ژنتیک). چرا ما با این همه جوانان دانشمند، نقشی در این فعالیتها در دنیا نداریم؟ همین مسئله گرد و غبار که سالهاست گریبانگیر ایران شده توسط برخی گیاهان خاص که بطور خزنده روی سطح زمین پخش می‌شوند و مصرف آب کمی هم دارند قابل رفع است. الان صحرای آفریقا و قسمت‌های مرکزی آسیا مانند مغولستان و برخی نقاط دیگر دنیا دارای شرایط بیابانی بدتری از ایران هستند ولی چرا دارای این مشکل گرد و غبار نیستند؟ چون گیاهانی که بطور سنتی در آن مناطق رشد کرده مانع از برخاستن ذرات خاک به هوا می‌شود ولی در ایران و کشورهای مجاور ما کسی برای شناسایی و انتقال اینگونه گیاهان به ایران اقدامی نکرده است. کلا دیدگاه مدیران ما در این زمینه یک دیدگاه دانشگاهی و عالمانه نیست و فقط معطوف به تزریق آب بوده در حالیکه سه ضلع «آب، خاک و گیاه» هر سه در این زمینه‌ها مهم هستند و باید از دانش روز دنیا در این سه زمینه استفاده کرد و حتی خودمان نیز مولد دانش در این زمینه‌ها باشیم چونکه حیات و ممت آینده کشور خشک و کم آب ما وابسته به همین مسائل است. در واقع اگر نگاه ما به کشاورزی همان نگاه عقب افتاده چند هزار سال قبل باشد، کشاورزی در ایران محکوم به فنا است ولی سواحل مکران با توجه به شرایطی که دارد می‌تواند احیا کننده کشاورزی نوین ایران باشد. برخی گیاهان وارداتی مانند "آلونه‌ورا" هم هستند که امروزه اثبات شده در مناطق مکران بخوبی بعمل می‌آیند و با این شرایط سازگار هستند. باید این نوع گیاهان را در تمام دنیا شناسایی کرده و به ایران انتقال داد. استقرار کشاورزی مدرن و استقرار صنایع فراوری محصولات غذایی در همین مناطق می‌تواند اشتغال چند صد هزار نفری در این مناطق بیابانی ایجاد کند و الگویی نه تنها برای کشور بلکه برای تمام دنیا باشد. ما امروزه در همه زمینه‌ها جوانان دانشمندی داریم که متأسفانه عملاً از دانش آنها استفاده‌ای نمی‌کنیم. موضوع کشاورزی مدرن و بیابان زدایی مدرن (تغییرات ژنتیکی گیاهان و خاک و آب) باید به محور کل برنامه‌های تحقیقاتی کشور تبدیل شود چراکه این ضرورت آینده کشور خشک و بیابانی ایران بوده و ضامن بقاء ایرانیان است. ایران باید به مرکز اصلی "بیابان زدایی مدرن" در دنیا تبدیل شود همانطور که ژاپن به مرکز طراحی سازه‌های مقاوم در برابر زلزله در دنیا تبدیل شده (چون دائماً با زلزله مواجه است) یا نروژ و انگلیس به مهد فراساحل آب عمیق تبدیل شده (بدلیل کشف نفت در اعماق زیاد) یا آلمان و کشورهای اروپایی که به مرکز انرژی‌های تجدید پذیر و انرژی هسته‌ای تبدیل شدند (چون نفت و گاز نداشتند!). یعنی نیازهای حیاتی کشورها هست که آنها را به سمت و سوی تحقیقات خاص می‌کشاند و ایران هم بالاجبار باید تمام توان علمی و تحقیقاتی خود را معطوف به "کشاورزی مدرن و بیابان زدایی مدرن" کند و حتی یک جایزه بین المللی مانند جایزه نوبل در این زمینه تعریف کند تا محققان برتر دنیا را به سمت خود جذب کرده و از دستاوردهای آنها استفاده کند. سواحل مکران می‌تواند با احداث دانشکده‌ها و آزمایشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی دولتی و خصوصی و حمایت از شرکتهای دانش‌بنیان، نقطه شروع این فعالیت‌های ایجابی باشد و اولین «شهرک علمی تحقیقاتی بیابان زدایی» ایران را تاسیس کند.

۱۸- توسعه طرح‌های پتروشیمی از درآمدزا ترین و اشتغال آفرین‌ترین صنایع مناطق مکران می‌تواند باشد. شهرک پتروشیمی مکران که در حال احداث می‌باشد با دسترسی نزدیک به آب دریا برای مصارف نیروگاهی و همچنین صادرات راحت‌تر، می‌تواند توجیه‌پذیرترین شهرک پتروشیمی کشور باشد. تکمیل هر سه فاز این شهرک باید از اولویتهای وزارت نفت باشد که براحتی با

سرمایه‌گذاری خارجی، قابل اجرا است. البته بار دیگر تاکید می‌شود که در جانمایی شهرکهای اینچنینی نباید همه امکانات فقط در اطراف چابهار متمرکز شود بلکه باید در طول سواحل مکران گسترش یابد تا بتوان به توسعه یکنواخت و عادلانه سواحل رسید.

ج- رونق دادن گردشگری دریایی در سواحل مکران

یکی از بهترین راه‌های توسعه سواحل مکران، توسعه گردشگری و هدایت بخشی از مسافران نروزی در فصل بهار (و احياناً تعطیلات زمستانه) به این مناطق است. فرصت ۱ ماهه تعطیلات نروزی فرصتی است تا مردم فقیر این مناطق ذخیره‌ای اندک برای کل سال داشته باشند. رشد گردشگری در این مناطق میتواند دیدگاه سرمایه‌گذاران کوچک و بزرگ را هم تغییر دهد. واقعیت اینست که در حال حاضر دیدگاه مردم ایران به مناطق جنوب شرقی ایران بسیار منفی و هراسناک و توأم با تصورات ناامنی است و به تبع آن، سرمایه‌گذاران بخصوص در بخش تفریحی رغبتی برای آن مناطق نشان نمی‌دهند. شاید هم اکنون از هر ۱۰۰ خانواده ایرانی ۱ خانواده هم به سواحل دریای عمان سفر نکرده باشد. برای استارت توسعه گردشگری باید خود دولت در ابتدا متولی شده و تسهیلاتی را فراهم آورد تا بعد از رایج شدن سفر به این مناطق، خودبخود بخش خصوصی فعال شود. شبیه این کار را دولت برای هدایت سفرهای نروزی به سمت مناطق جنگی جنوب انجام داده است که تا حدودی موفق هم بوده است. پیشنهادات زیر در این زمینه ارائه می‌گردد:

۱۹- تعطیلات زمستانه برای یک کشور عمدتاً بیابانی و گرمسیری، برای توزیع عادلانه‌تر و یکنواخت‌تر سفرهای تفریحی بین شهرهای مختلف یک ضرورت حتمی است که باید پیگیری شود. طرح پایلوت برای شهرهای جنوبی مانند استانهای فارس و کرمان و هرمزگان و بوشهر و سیستان قابل انجام است. متأسفانه بدلیل گرما و رطوبت شدید هوا در تابستان در مناطق جنوبی، رغبت چندانی در تابستان برای سفر به مناطق جنوبی وجود ندارد و تنها فرصت کسب درآمد از گردشگری دریایی عمدتاً زمان ۱ ماهه تعطیلات نروز است. این مسئله باعث شده سرمایه‌گذاری‌های کلان توریستی در مناطق جنوبی توجیهی نداشته باشند و به همین دلیل به سختی می‌توان در این مناطق حتی یک هتل مناسب پیدا کرد چه برسد به امکانات تفریحی و گردشگری! ولی اگر تعطیلات ۱ ماهه یا دو هفته‌ای زمستانه در ایران تصویب گردد، سفر به این مناطق همگن‌تر شده و توجیه اقتصادی و درآمدزایی طرح‌های گردشگری بهتر خواهد شد. نقطه شروع تصویب تعطیلات زمستانه می‌تواند درخواست نمایندگان مجلس در استان‌های جنوبی باشد.

۲۰- یکی از علل مهم دیگر عدم رشد گردشگری در مناطق جنوبی، وجود جزیره کیش است. جزیره کیش در سه دهه گذشته همانند یک حفره بی انتها، همه سرمایه‌گذاری‌های گردشگری کشور را به سمت خود کشیده است. این در حالیست که مناطق نمونه گردشگری بی‌شماری در سواحل و حتی جزایر جنوبی کشور وجود دارد که همگی تحت الشعاع جزیره کیش قرار گرفته و عملاً فراموش شده‌اند. باید بتوان تسهیلات سرمایه‌گذاری (وام‌های کم بهره و معافیت‌های مالیاتی) ارائه شده در جزیره کیش را در سایر مناطق جنوبی از جمله سواحل مکران نیز ارائه کرد تا سرمایه‌گذاران رغبت بیشتری نشان دهند.

۲۱- برای بهبود حمل و نقل مسافری در طول سواحل مکران و تا زمان کامل شدن راه آهن و اتوبانها در این مناطق باید در یک بازه زمانی ۱۰ ساله، تردد اتومبیل‌های خارجی پلاک موقت در طول سواحل مکران (از شرق شهر بندرعباس تا چابهار) و تا عمق ۶۰ کیلومتری داخل کشور مجاز شود. این یک راه حل ساده و سریع الاجراست برای کاهش دشواری‌های سفر زمینی در طول

سواحل مکران. از طرف دیگر مردم محلی را برای جابجایی مسافر در طول خط ساحلی و اشتغالزایی ترغیب می‌کند. بطور مثال می‌توان به هزار دستگاه خودرو خارجی اجازه فعالیت در این مناطق را داد با دو هدف عمده: ۱- جابجایی مسافری در خط ساحلی ۲- آژانس‌های گردشگری کرایه ماشین بدون راننده. همین مسئله، خود به تنهایی می‌تواند یک جاذبه گردشگری ویژه در این مناطق باشد. اگر خانواده‌ها بدانند که اگر خود را به هر نقطه‌ای از طول سواحل مکران برسانند از آن پس می‌توانند اتومبیل خارجی بدون راننده کرایه کرده و به هر نقطه دیگری از این سواحل سفر کنند، رغبت بیشتری به سفرهای تفریحی ایجاد خواهد شد بخصوص برای استان‌های همجوار.

۲۲- ارائه تسهیلات ادارات دولتی به کارمندان خود برای سفر به سواحل مکران: ادارات میتوانند با اجاره یا خرید و تجهیز برخی ساختمانهای مسکونی، تامین محل سکونت موقت پرسنل و خانواده‌ها را به عنوان مهمترین معضل سفرهای تفریحی کم هزینه رفع کنند. با توجه به مشکل مسافت و دسترسی، بهتر است استانهای مجاور مانند شیراز، اصفهان، یزد و کرمان در اولویت قرار گیرند. سفر خانواده کارمندان دولت، یک نقطه شروع خوب برای شیوع رونق سفر به سواحل مکران است. همین عکس‌های یادگاری خانوادگی که در فضای مجازی منتشر می‌گردد به مرور، سفر به سواحل مکران را در برنامه مسافرت خانواده‌های ایرانی قرار خواهد داد.

۲۳- ایجاد مناطق آزاد برای خرید راحت‌تر مردم از این مناطق به عنوان مهمترین جاذبه گردشگری برای خانواده‌های ایرانی محسوب می‌گردد.

۲۴- ساماندهی تیم‌های ساحل‌گردی و طبیعت‌گردی در این مناطق: حمایت از برخی آژانس‌های مسافرتی منتخب در تهران و سراسر ایران برای اعزام مسافر به این مناطق و ارائه تسهیلات خاص به آنها یک راه حل منطقی و مناسب است.

۲۵- ساماندهی سفرهای دریایی ۴-۵ روزه بدون ویزا از سواحل مکران به سواحل عمان از طریق سفر دریایی (با توجه به تمایل مسئولین به توسعه گردشگری به کشور عمان) می‌تواند جذابیت‌های خاصی ایجاد کند.

۲۶- یکی از مهمترین موانع توسعه توریسم در این مناطق، بُعد مسافت و طولانی بودن مسافت زمینی است که دسترسی را به غیر از استانهای مجاور، برای سایر مناطق بسیار مشکل و زمان‌بر می‌کند. لذا ارائه سوبسید و معافیت‌های مالیاتی به بلیط‌های هواپیما به سمت این مناطق در ایام عید بصورت هدفمند به آژانس‌های مسافرتی که در قالب تور، مسافر را اعزام میکنند میتواند سهم مهمی در رفع این معضل داشته باشد. برای استانهای مجاور هم میتوان تسهیلات سفر زمینی را در نظر گرفت. در طرح‌های بلند مدت نیز توسعه راه آهن سریع‌السیر از واجبات توسعه گردشگری این مناطق است.

۲۷- استفاده از امکانات نیروی دریایی ارتش برای ایجاد جاذبه‌های گردشگری در بازه زمانی نوروز و تعطیلات زمستانه در این مناطق مانند بازدید عموم از بخشهای مجاز فضای داخلی یک ناو (بخصوص ناو جماران به عنوان سمبل تولید داخلی)، ایجاد گشت دریایی ارزان قیمت (تا قبل از استقرار کشتی‌های توریستی بخش خصوصی)، نمایشگاه تجهیزات و تسلیحات دریایی می‌تواند ایجاد کننده جاذبه‌های توریستی باشد. همچنین فراهم کردن امکان بازدید عموم از اسکله‌ها و بنادر و همچنین از فضای داخلی برخی از کشتی‌های کشتیرانی از دیگر جاذبه‌ها می‌تواند باشد.

۲۸- تاسیس مرکز نمایشگاهی جنوب کشور (نمایشگاه های فصلی، کنفرانسهای علمی، مسابقات و جشنواره ها و ...) در یکی از شهرهای ساحلی مکران (به غیر از چابهار)، روشی برای هدایت کردن سفر مناطق و شهرهای مجاور به سمت سواحل مکران است. اگر دقت کرده باشید در کشورهای خارجی همیشه کنفرانسهای علمی و نمایشگاهها در شهرهای کوچکتر و همچنین فصلهایی ارائه می‌شوند که مسافرتین توریستی به این مناطق نمی‌روند! یعنی کمک می‌کنند که هتل‌های یک شهر (حتی شهرهای کوچکتر) در روزهای مختلف طول سال، مسافر داشته باشند. با این نگاه و تفکر می‌توان انتظار داشت که توزیع امکانات، عادلانه‌تر و یکنواخت‌تر باشد. متأسفانه در کشور ما کنفرانس دریایی هرساله در کیش برگزار می‌گردد. چرا؟! داشتن فرودگاه در شهر محل مرکز نمایشگاهی از ضروریات اولیه است برای تسهیل دسترسی مسافرتین پروازی.

۲۹- ساخت نمادهای شهری عظیم و زیبا: تقریباً همه شهرهای بزرگ ایران دارای یک "نماد شهری" هستند که مسافران و گردشگران در مقابل آنها عکس یادگاری می‌گیرند و در واقع این نمادها، شناسنامه این شهرها بوده و سوژه عکس‌های یادگاری هستند. ولی متأسفانه هیچ‌یک از شهرهای ساحلی جنوب ایران دارای "نماد شهری" که یک جاذبه گردشگری محسوب شود، نیستند. الان کسی که به خرمشهر و بوشهر و بندرعباس و چابهار سفر می‌کند برای تمایز سفر به این شهرها از چه نمادهایی باید عکسبرداری کند؟! عدم توجه به ساخت سازه‌های مجلل در شهرهای ساحلی جنوب، باعث شده است که اغلب این شهرها "چهره‌ای فقیرانه و محروم" داشته باشند. این موضوع، تبعات زیادی را به دنبال داشته است از جمله اینکه نه تنها در مقایسه با سایر شهرها، در جذب گردشگر موفق نبودند بلکه بسیاری از شاغلین و مهندسیین غیربومی در این مناطق، حاضر به سکونت با خانواده در این مناطق نیستند و بصورت پروازی رفت و آمد می‌کنند. چرا؟! در این زمینه در یک اقدام اولیه و عاجل می‌توان ۲ اقدام را در اولویت قرار داد: ۱- در یکی دو شهر از شهرهای مهم سواحل مکران متناسب با فرهنگ و تاریخچه منطقه خود اقدام به فراخوان طراحی یک "نماد شهری خاص" کنند. این نماد شهری باید: در کنار ساحل، دارای محوطه باز و تفریحی، دارای ارتفاع بلند (قابل رویت از دل دریا) و دارای خصوصیات یک سازه فاخر و مدرن مهندسی باشد. طرح نهایی می‌تواند از بین فراخوان چندین طرح انتخاب شود. در مرحله بعد، ساخت این طرح به پیمانکار سپرده شود. ممکن است که ساخت آن چندین سال بطول بیانجامد. این مهم نیست بلکه مهم اینست که هر شهر ساحلی پس از گذشت چند سال صاحب یک "نماد شهری خاص خود" خواهد بود که یک جاذبه گردشگری محسوب می‌شود. امروزه تمام شهرهای ساحلی معروف دنیا دارای نمادهای شهری معروف هستند. ۲- در هر شهر ساحلی به عنوان نمونه و طرح پایلوت، یک ساختمان مرتفع با کاربری ترکیبی مسکونی، تجاری، تفریحی (هتل و رستوران و غیره) طراحی و ساخته شود. این ساختمان توسط بخش خصوصی یا کنسرسیومی که سرمایه‌گذاران و پیمانکاران بخش خصوصی و برخی نهادهای دولتی مانند قرارگاه خاتم الانبیاء می‌تواند اجرا شود ولی در نهایت سرمایه آن با توجه به واگذاری واحدهای مسکونی و تجاری به مردم، توسط مردم و بخش خصوصی پرداخت خواهد شد. یعنی لزوماً نیازی به بودجه دولتی نیست و فقط مدیران دولتی باید «ریل گذاری» لازم برای انجام این کار را بر عهده گیرند.

۳۰- ساخت شهرهای جدید، مدرن و زیبا: از آنجاکه هم اکنون در خط ساحلی مکران کمتر از ۳۰۰ هزار نفر ساکن هستند، برای اسکان ۵-۸ میلیون نفر در این مناطق، مسلماً باید اقدام به تاسیس شهرهای جدید همانند شهر "تیس" نمود. در طراحی این شهرها باید دقت نمود که زیبایی و مدرن بودن این شهرها از همه لحاظ مورد توجه قرار گیرد بخصوص تعبیه مناطقی در این شهرها با کاربری گردشگری و تفریحی. اصولاً اختصاص یک منطقه تفریحی مجتمع و منسجم در طراحی یک شهر، در فرهنگ ما

متأسفانه جایی ندارد بطوریکه همین امروز در شهرهای جدیدی که در کشور طراحی و ساخته می‌شوند منطقه تفریحی (شامل پارک و شهرسازی و استخر و کافه‌ها و رستوران‌ها و سینما و ...) دیده نمی‌شود. باید به هر روش ممکن، چهره فقیرانه را از شهرهای جنوبی زدود. تنها در این شرایط هست که خانواده‌ها از شهرهای دیگر حاضر به سکونت در این مناطق خواهند شد. اگر طراحی معماری کلی شهر زیبا باشد، خود، یک جاذبه گردشگری برای مسافران خواهد بود. در طراحی‌های معماری نوین، همواره و همیشه باید "سوژه‌های عکسبرداری" را به یاد داشت. آنچه امروزه به یک فرهنگ عمومی تبدیل شده، انتشار عکس‌های یک سفر تفریحی در فضای مجازیست بنابراین باید در طراحی نمادهای شهری، ساختمانها و معماری کلی شهر، همواره به دنبال سوژه‌های مناسب عکسبرداری برای مسافران و گردشگران بود؛ امری که در معماری معاصر کشورهای جهان سوم اصولاً جایگاهی ندارد. یک سری سوالات همیشگی در زمینه رونق مناطق ساحلی جنوب ایران و گردشگری دریایی این بوده است که چرا مناطق ساحلی ما با کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس اینقدر متفاوت است؟ چرا شهرهای جنوبی ما اینقدر چهره فقیرانه‌ای دارند؟ چرا ایرانیان هر سال میلیاردها دلار صرف سفرهای تفریحی به این کشورها می‌کنند؟ چرا در ۱۹۰۰ کیلومتر سواحل جنوب ایران حتی یک ساختمان بالای ۵۰ متر وجود ندارد؟ یک سازه فاخر مهندسی که هم مرتفع و عظیم باشد و هم نمادی از دانش مهندسی ایرانی، وجود ندارد؟ در مقابل صدها سازه و ساختمان مجلل و عظیم بالای ۱۰۰ متر که چهره کشورهای بیابانی عرب را تبدیل به مرکز گردشگری دنیا نموده است ما چه اقداماتی کرده‌ایم؟ آیا ما دانش مهندسی و توانایی ساخت این سازه‌ها را نداریم؟ آیا بودجه و توانایی مالی ما ظرف ۳۰ سال گذشته ضعیفتر از اعراب بوده است؟ یا اینکه دورنمای فکری ما کوتاه بوده و بودجه‌های سالیانه کشور صرف امور روزمره شده است؟ در حالیکه اعراب توانستند پول نفت را برای تبدیل کردن بیابان برهوت به شهرهای مجلل بکارگیرند و برای قرن‌ها درآمد توریستی تضمین شده برای خود ایجاد کنند. امروزه در کشورهای مینیاتوری و کوچکی مثل بحرین و قطر و کویت و امارات، شیکترین و مجلل‌ترین شهرهای ساحلی وجود دارند که سالیانه ده‌ها میلیارد دلار جذب گردشگر دارند از جمله خود ایرانیان که مبالغ هنگفتی را هر سال صرف این سفرها می‌کنند. همین شهر چابهار برای اسکان جمعیت جدید باید یک قسمت جدید برای شهر طراحی و ساخته شود که امید است معیارهای نوین طراحی شهری و زیبایی در آن رعایت شود.